



نسیم اعتمادی / شهرود

گفت‌وگو با احمد آل یاسین

مدیرعامل اسبق سازمان آب و برق خوزستان درباره کارون و الگوی توسعه در ایران

ما سدها را بر شانه‌های مردم ساختیم

ما مهندس‌ها جامعه‌شناس نبودیم و جامعه‌شناسی نکردیم، ما خودمان را با فرهنگ مردم مطابقت ندادیم و همه چیز را با دید مهندسی نگاه کردیم

ما کارون بد رفتار شده، الان مصارف بیش از حد و تخصیص آب‌ها بیش از ظرفیت کارون است و مدیریت رودخانه هم انجام نشده است

●●● **انگار که ما در فهم واژه توسعه دچار انحراف یا خطا هستیم.** کاملاً، درکی از واژه توسعه نداریم.

●●● **نداریم یا نداشتیم؟** نداشتیم و نداریم. اگر عده‌ای چنین درکی داشته باشند، خیلی خاص هستند.

●●● **توسعه از نظر شما یعنی چه، چه چیزی توسعه نیست، اما به نظر شما خطا به نشانه توسعه یافتگی تلقی شده است؟**

توسعه یک واژه جدید است که وارد ادبیات جهان شده است. تا صدسال پیش توسعه مطرح نبود و همه پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در قلعه‌ها و خانواده‌ها در کنار هم زندگی می‌کردند و جمعیت هم کم بود. توسعه از زمانی مطرح شد که جمعیت رو به افزایش گذاشت و شروع به تجاوز از ظرفیت‌های زمین کرد. از آن زمان کارشناس‌ها به تکاپو افتادند که امکان دارد ما با کمبود مواد غذایی، آب، مسکن و جاده روبه‌رو شویم، بنابراین واژه توسعه ابعاد بسیاری پیدا کرد. عده‌ای تصور می‌کنند که توسعه، زیرساخت است. به خاطر دارم هنگامی که کتاب «تاریخچه برنامه‌ریزی توسعه» را نوشتم و نقدی بر فرآیند توسعه ایران وارد کردم، عده‌ای بر من خرده گرفتند که پس این همه فرودگاه، بندر، تونل، راه و راه‌آهن که ساخته شده است، اینها توسعه نیستند؟

گفتم اینها هرگز توسعه نیستند، اینها ابزار توسعه هستند. توسعه هنگامی به وجود می‌آید که افراد جامعه، خانواده‌ها و مردم به آینده امید داشته باشند، از زندگی خود راضی باشند، اشتغال، درآمد و زیست انسانی داشته باشند و مردم شب‌ها که در خانواده دور هم جمع می‌شوند، از زندگی خود راضی باشند. این تعریف توسعه است و به آن کیفیت زندگی، نیکبختی و خوشبختی می‌گویند. توسعه خریدنی نیست، توسعه واردکردنی نیست. توسعه یک فرآیند فرهنگی است که باید در جامعه نشسته باشد. شما نمی‌توانید با داشتن پول توسعه را بخرید. توسعه، مدرنیسم نیست. ما داریم مدرنیسم را وارد می‌کنیم، ولی مدرنیته را در کنار آن نداریم. ما کامپیوتر، تلفن، آیفون و نرم‌افزار را می‌آوریم، ماشین‌های لوکس، کارخانه‌ها و هواپیما را می‌خریم و فرودگاه می‌سازیم اما فرهنگ بهره‌برداری از اینها و آینده‌سازی برای نسل‌های بعد را نداریم. برای مثال در ایران سدهای بسیاری ساخته شده‌اند که نباید ساخته می‌شدند.

●●● **این آینده‌نگری به نظر می‌رسد هنوز هم در برنامه‌ریزی‌های توسعه غایب است.**

فرآیندی به نام فرآیند آمایش سرزمین وجود دارد که سه مأموریت دارد: مأموریت اول آن آینده‌نگری است، مأموریت دوم آن سیاست‌گذاری است و مأموریت سوم آن ایجاد فرصت است. نگاه آمایش سرزمین به انسان، جمعیت، منابع، نیازها و برنامه‌های آینده جامعه است و برای آن بهینه‌سازی

است. به دلیل اینکه وقتی به تاریخ ایران مراجعه کنید، می‌بینید که دو حوزه تمدنی خیلی سرشناس داریم که یکی از آنها فارس و دیگری خوزستان است و خوزستان یکی از مراکزی بوده است که ساسانیان خیلی در آن زحمت کشیده‌اند و ما کاخ آپادانا در شوش، چغازنبیل، چغامیش و چغاسیز را داریم. یا در دزفول که قبلاً دانشگاه جندی‌شاپور بود، یک رودخانه‌ای به اسم بالارد وجود داشت که رودخانه دائمی نبود و فصلی بود. برای اینکه از یک طرف رودخانه فصلی سیاه‌منصور به طرف دیگر آن آب ببرند، سیفون ساخته بودند و به وسیله آن آب را انتقال می‌دادند.

●●● **این مربوط به چه دوره تاریخی است؟**

مربوط به زمان دانشگاه جندی‌شاپور در زمان ساسانیان است. این سابقه تاریخی کارون است.

●●● **شما از سال ۱۳۳۹ تا سال ۱۳۵۷ در خوزستان کار کردید. در این مدت در سدهای دیگری هم نقش داشته‌اید؟**

در سدهای تنظیمی و انحرافی دز در دزفول، سد انحرافی گوتوند در شوشتر و سد کارون فعالیت داشته‌ام.

●●● **سمت شما در این پروژه‌ها چه بوده است؟**

در سد مهندس بودم، در سدهای تنظیمی و انحرافی دزفول مجری بودم و در سدهای انحرافی گوتوند در شوشتر و کارون مجری و کارفرما بودم.

●●● **به قول معروف شما در زمره فن‌سالارانی هستید که در سازندگی ایران در دوره نوسازی نقش داشته‌اید. رویکرد فن‌سالارانه به توسعه در ایران منتقدان جدی هم دارد. مثلاً درباره سدسازی‌ها گفته می‌شود تعدادی از پروژه‌هایی که روی کارون اجرا شده‌اند، به دلیل نگاه سخت‌افزاری به کارون، بیپوده بوده و نباید اجرا می‌شده است. چقدر این نقدها را وارد می‌دانید؟**

من این نقد را فقط برای کارون نمی‌بینم.

●●● **این نقد را قبول دارید؟**

بله، من این نقد را برای سراسر مملکت و در تمام جبهه‌ها می‌بینم. به دلیل اینکه ما الان با آسیب‌های بسیار زیادی روبه‌رو هستیم. ما با فرسایش خاک، خشکسالی، تغییرات اقلیمی، بحران آب، تخلیه‌های آبخانه‌ها، فرونشست دشت‌ها، ازبین‌رفتن زمین‌های کشاورزی و بدرفتاری با زمین روبه‌رو هستیم و آب‌هایمان را شور می‌کنیم، آلودگی صوتی، آلودگی هوا و آلودگی آب داریم. من فکر می‌کنم که ما حکایت این ضرب‌المثلی «یکی بر سر شاخ، بن می‌برید» هستیم. البته شاید ما مقداری شتابزده‌تر از دیگر کشورها عمل کردیم. الان جامعه جهانی هم مصداق این ضرب‌المثل است. به دلیل اینکه زمین ظرفیت این همه بارگذاری را ندارد.

امین شول سیرجانی گفت‌وگو پایان یافت و ضبط صوت خاموش شد. داشتیم آماده می‌شدیم منزلیش را ترک کنیم که خواست تا دقیق‌تری در خانه‌اش بمانیم. دیگر از تردید ابتدای گفت‌وگو خبری نبود. او حالا مشتاقانه داشت از جفاهایی می‌گفت که به نام «توسعه» بر ایران رفته است. مهندس ۸۴ساله با انرژی یک جوان ۲۰ساله رو کرد به ما و گفت: «دارم درباره این خطاها و جفاها کتاب می‌نویسم. ما در برابر نسل‌های آینده مسئولیم». احمد آل یاسین ممکن است برای بسیاری از ایرانیان نام آشنا نباشد اما برای خوزستانی‌ها و جامعه مهندسی کشور نام آشنا و مورد احترام است. او در سال ۱۳۳۹ زمانی که دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی عمران دانشگاه تهران بود، برای نخستین‌بار با هدف کارآموزی به خوزستان رفته و در همان سفر، دل‌باخته خوزستان و کارون شده است. آن روزها شرکت‌های خارجی در خوزستان مشغول انجام طرح‌های عمرانی متعددی بودند و آل یاسین هم با دیدن کارشان کوشیده که به یکی از این شرکت‌ها راهی پیدا کند: «ما و دوستان‌مان همه در اهواز دور هم جمع می‌شدیم و پنجشنبه و جمعه را با همدیگر می‌گذرانیدیم. این دوست من که از سد دز آمده بود، برآیم تعریف می‌کرد و می‌گفت نمی‌دانی که آنجا چه حکایتی است و خیلی جالب و جذاب است. من به واسطه دوستم به پروژه سد دز رفتم. واقعا آنجا زندگی من را عوض کرد، چون برای من بسیار هیجان‌انگیز بود. محوطه ساختمانی سد دره‌ای عمیق به عمق ۵۰متر و بسیار تنگ با دهانه ۲۵۰متری بود و از بالا که نگاه می‌کردیم، افراد را خیلی ریز در کف دره می‌دیدیم. چیزی که برای من خیلی جالب بود، نظم، دیسپلین و انضباطی بود که من در آن کارگاه‌ها می‌دیدم. هیچ‌گاه ندیدم که یک کارگر یا یک تکنیسین بی‌هدف از نقطه‌ای به نقطه دیگر برود؛ هیچ‌کس در آنجا بی‌هدف نبود. پیمانکار آن یک شرکت ایتالیایی بود که تمام پرسنل خود را از ایتالیا آورده بود، مهندس مشاور و ناظر آن یک شرکت آمریکایی بود. در آن زمان ما نیروی ماهر در ایران نداشتیم. اما دوست من را به‌عنوان کارآموز پذیرفته بودند. بعد از دو روز که آن پروژه را دیدم، احساس کردم که آرزویم این است که آنجا بمانم و این مهارت‌ها را از آنها بیاموزم.» اما این احساس علاقه کافی نبود، چراکه آن شرکت ایتالیایی خیلی زود به درخواست همکاری آل یاسین جواب منفی داده بود: «شما تصور کن یک جوانی که آرزوهایی دارد و درشش به اتمام رسیده و می‌خواهد مشغول به کار شود، در کشور خودش به او بگویند که ما ایرانی استخدام نمی‌کنیم؛ این خیلی ضربه دردناکی برای من بود. در همین فاصله هم رودخانه کارون را می‌دیدم و شب‌های بسیار زیبایی داشت و آن شعر معروف «شب‌های کارون» را می‌خواندند، هرشب بلم‌ها روی کارون حرکت می‌کردند و مردم در قایق‌ها نشسته بودند، با گازهای پیک‌نیک غذا می‌پختند، موسیقی می‌نواختند و محیط کارون در اهواز خیلی شاعرانه بود. کارآموزی من با اندوه به پایان رسید و به تهران آمدم و در چالوس مشغول به کار شدم». با این حال دست تقدیر باعث شد مدتی بعد همان شرکت برای جذب نیروی انسانی ایرانی در روزنامه کیهان آگهی بدهد و آل یاسین یکی از دو مهندس ایرانی بود که در این طرح پذیرفته شده بود. احمد آل یاسین دوده در خوزستان ماند و مسئولیت‌های مختلفی برعهده گرفت. مدیریت اجرایی و قائم‌مقام مدیرعامل کشت و صنعت نیشکر کارون و مدیرعاملی سازمان آب و برق خوزستان از جمله مسئولیت‌های مهم آل یاسین در این دو دهه حضور بوده است. از همین رو آل یاسین یکی از کسانی است که می‌تواند درباره کارون و جریان توسعه در خوزستان و ایران سخن بگوید. چنانکه در تمام سال‌های گذشته، با انتشار کتاب‌های متعددی چنین کرده است. او پس از ۵۰سال کار مستمر حالا بر این نظر است که جریان توسعه در ایران دچار انحراف شده و حال و روز کارون نمادی از این انحراف است. او در سخنانش یادآوری کرد که جریان مهندسی در کشور از سوهی‌های اجتماعی و دانش و فرهنگ بومی در مسیر توسعه غفلت ورزیده است. او با زبانی رسا به همه آنها که سخنانش را می‌خوانند، تأکید کرد: «توسعه خریدنی نیست».

●●● **چه زمانی احساس کردید که به کارون دلبستگی دارید؟**

من در حدود ۲۰سال با کارون زندگی کردم، بنابراین کارون و دز بخشی از زندگی من هستند. تنها کتاب مهندسی رودخانه که در ایران درباره دز و کارون نوشته شده است، تألیف من است. وابستگی من به کارون در این حد است که اگر شما به وزارت نیرو مراجعه کنید، جز این کتاب، کتاب دیگری وجود ندارد که درباره مهندسی رودخانه دز و کارون به شما بدهند. کارون بخشی از زندگی من بود. من به خاطر این کتاب، سابقه تاریخی کارون را مطالعه کردم و دیدم کارون در حوزه تمدن ایران نقش بسیار عمیقی دارد. اولین دفعه‌ای که کارون مورد استفاده قرار گرفته و مورخان مستندات به صورت کتیبه از آن آرایه کرده‌اند، در زمان ایلامی‌ها، دوهزار و ۷۰۰سال پیش از میلاد مسیح بوده است. بنابراین کارون قدمتی چهارهزار و ۵۰۰ساله دارد و این قدمت به کارون یک کاراکتر تاریخی بسیار بارز و بخشیده است. منبع دیگری که از کانون می‌توانم عنوان کنم این است که کانالی به نام کانال داریون در شوشتر وجود دارد که این کانال را به داریوش هخامنشی منتسب می‌کنند. بعد از هخامنشیان، بیشترین اثراتی که از کارون برجای مانده، که هنوز هم موجود است، سازه‌های آبی قدیمی است که در اطراف شوشتر و دزفول فراوان است. به‌عنوان مثال بند دختر در گلوگاه تنگه‌ای که وارد دشت خوزستان می‌شود یا سد میزان که شمال دودانگه و چهاردانگه قرار گرفته است یا پل بند عقیلی، پل بند گزگر، پل بند خداآفرین و پل شاپور ذوالکفایت در دزفول، همگی پل بند بوده‌اند. پل بند به این معناست که در بستر رودخانه، کف را بالا می‌آورند که مانند سد، آب پشت آن جمع بشود. در امتداد پل این کار را می‌کردند و به آن بند می‌گفتند. روی این بند پایه می‌زدند و بالای آن پل بود که عبورگاه مردم می‌شد. بنابراین کاریک سد را انجام می‌داد و به وسیله آن آب را بالا می‌آوردند و آب به زمین‌های اطراف جاری می‌شد و از دو طرف آن کانال آبیاری می‌گرفتند.

●●● **در واقع ایرانیان نوعی از دانش بومی برای مدیریت منابع آب در اختیار داشته‌اند.**

بله، اصلاً سدسازی به تاریخ باستان ایران تعلق دارد. بند امیر در رودخانه گر استان فارس، بند طریقه یا سد کریت، نمونه‌هایی از حدود ۲۵ سد نامدار موجود در ایران هستند که به دوران باستان تعلق دارند. تنها قنات‌ها نیستند که از سازه‌های قدیم‌دار و ابتکار ایرانیان به شمار می‌روند، بلکه بندسازی و سدسازی هم از کارهایی هستند که ایرانی‌ها در آن پیشقدم بوده‌اند. گفته می‌شود که دوکشور در دنیا پیشقدم سدسازی هستند که یکی از آنها ایران و دیگری اسپانیاست. ایرانی‌ها در این زمینه از همه قدیمی‌تر هستند و در حال حاضر آثار بسیار زیادی در سراسر ایران از سدهای قدیمی و باستانی داریم. یک سد در کنار پل هفتم اهواز وجود داشت که من آن را کشف کردم و تصویر و مکان آن در این کتاب ثبت شده، که هنوز هم آثار آن باقی است. در کتاب مهندسی رودخانه، من آدرس آن را ذکر کرده‌ام که در محله عمری اهواز است. کارون یک فرهنگ است که در تمدن گذشته ایران نقش بسیاری داشته است. علاوه بر کارون، تمام تمدن‌های کهن جهان در کنار رودخانه شکل گرفته‌اند و ریشه در رودخانه دارند و به عبارتی رودخانه‌ها رگ‌های حیاتی ملت‌ها هستند. بنابراین کارون برای من یک منبع آب نیست، نمادی از تاریخ گذشته مملکت